

نقش اقتصاد مردمی در رونق کار و تولید

آتیه نو بررسی می کند

گزارش

احسان احمدی

روزنامه نگار

رونق تولید، بهبود فضای کسب و کار، تسهیل گری در بخش های مولد، ارتقای وضعیت شاخص های عمده و تأثیرگذار بازار کار، افزایش رفاه عمومی به ویژه برای فعالان کارگری و کارفرمایی و در نهایت، تحقق رشد اقتصادی با وجود مؤلفه های مؤثر اقتصادی اتفاق می افتد. در این بین رشد سهم مردم در یک اقتصاد مبتنی بر فعالیت بخش خصوصی و اصلاح و بازنگری قوانین در راستای تبدیل این مجموعه به مقررات تولیدمحور، سهم قابل توجهی در رشد سطح شاخص های اقتصادی ایفا می کند.

افزایش سهم گروه های مردمی از فضا و بسترهای اقتصادی و تولید کشور و به تبع آن، کاهش سهم حضور و مشارکت دولت در فعالیت های اقتصادی و مولد و واگذاری این نوع اقدامات به بخش خصوصی، زمینه سرمایه گذاری بیشتر مردم و انگیزه بالاتر افشار مختلف نیروی انسانی برای حضور در بازار کار را فراهم خواهد کرد.

از سوی دیگر به واسطه مانع تراشی بخشی از قوانین ناکارآمد در مسیر تولید، بازنگری و اصلاح این بخش از مقررات و تسهیل گری با بهره مندی از قوانین مؤثر در مسیر بهبود رونق بسترهای مولد، عاملی برای تحقق اقتصاد تولیدمحور خواهد بود.

بهره مندی از همه ظرفیت های اقتصادی و مردمی

اصغر آهنی ها، عضو کارفرمایی شورای عالی کار و فعال اقتصادی در گفت وگو با «آتیه نو» ضمن تشریح دلایل امکان تحقق رونق اقتصاد و تولید از طریق رشد سهم مردم از فعالیت های اقتصادی، به الزام تولیدمحوری قوانین و مقررات اشاره و بر اجرای هم زمان این شاخص ها در جهت بهبود وضعیت کسب و کار تأکید کرد.

او در ادامه گفت: «موفقیت در اجرای برنامه های حوزه تولید، زمانی به صورت کامل تحقق پیدا می کند که در این مسیر از همه منابع و ظرفیت های موجود نهایت بهره مندی را داشته باشیم. در این ارتباط نباید از منابع دولتی به واسطه محدودیت، انتظار تأمین تمام برنامه های مرتبط با حوزه های مختلف به ویژه بخش تولید را داشت. این منابع به طور عمده صرف هزینه های جاری دولت در حوزه های اجرایی می شود.» این فعال اقتصادی اضافه کرد: «به این واسطه برای دستیابی به اهداف و تحقق برنامه ریزی مرتبط با رشد و جذب سرمایه های مردمی در مسیر بهبود وضعیت اقتصاد و تولید باید از داشته ها و ظرفیت های بالای بخش خصوصی بهره مند شد.»

عضو کارفرمایی شورای عالی کار توضیح داد: «در راستای تحقق سیاست های کلان اقتصادی و تولیدی، باید ایجاد

گزارش

در جهان امروز فعالیت های اقتصادی و مولد، صدور مجوزهای کسب و کار به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه اقتصادی و اشتغال زایی شناخته می شود. تأثیرگذاری این مجوزها در وضعیت شاخص های بازار کار، اشتغال، رونق تولید و ارتقای سطح رفاه اجتماعی کاملاً محسوس است. آثار مثبت تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار به ویژه در رونق اشتغال، بهبود و رشد داده های مثبت حوزه کار و تولید، توسعه کسب و کار و به تبع آن، کاهش فشار ناشی از خلق اشتغال گسترده، موضوعاتی است که به شرط ادامه روند تسهیل صدور مجوزها محقق خواهد شد.

بهبود فضای کار و تعادل در حوزه اشتغال نیروی کار نیز از دیگر مزایای بهبود وضعیت در بخش تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار محسوب می شود. این تأثیرات را می توان در چند حوزه کلیدی نظیر رونق اشتغال، جذب سرمایه گذاری، توسعه نوآوری و تقویت فرهنگ کارآفرینی بررسی کرد.

از طرفی با کاهش موانع اداری و تسریع در فرآیند صدور مجوزهای کسب و کار، کارآفرینان بیشتری توان راه اندازی فعالیت های مولد جدید را دارند. این مهم علاوه بر ایجاد فرصت های شغلی جدید، کاهش بیکاری را به همراه خواهد داشت. همچنین تسهیل صدور مجوزها می تواند به جذب سرمایه گذاران داخلی و خارجی کمک کند. در صورت سادگی و شفافیت فرایندهای اداری، سرمایه گذاران با اطمینان بیشتری به سمت بازار جذب می شوند.

با ایجاد بستر مناسب برای راه اندازی کسب و کارها، نوآوری ها نیز شکوفای می شوند و کارآفرینان با ایده های نوآورانه می توانند محصولات و خدمات جدیدی ارائه دهند که نه تنها نیازهای بازار را برآورده می کند، بلکه به افزایش رقابت نیز کمک می کند. از زوایه ای دیگر تسهیل در صدور مجوزها می تواند



نامتوازن اقتصادی مردمی طبیعتاً شاهد رشد اقتصادی مورد انتظار نخواهیم بود. به نظر می رسد واگذاری بخش های کلیدی اقتصاد به دولت و واگذاری دیگر حوزه های اقتصادی و تولیدی به بخش های مردمی یا خصوصی، سازوکاری برای بهبود وضعیت تولید و اقتصاد باشد؛ این موضوع به مرور باید در دستور کار اجرایی دولت قرار گیرد.»

چالش قوانین متعدد برای تولید

این کارشناس حوزه فعالیت های اقتصادی و مولد با اشاره به اینکه تعدد بسیار بالای قوانین و مقررات مرتبط با فعالیت های تولیدی و اقتصادی را می توان یکی از چالش های قشر مولد و بخش خصوصی اقتصاد و تولید دانست، بیان کرد: «تولیدکننده به واسطه مواجهه با قوانین فراوان، موانعی در مسیر تولید را مرتفع می کند. این حجم از مقررات حوزه تولید در شرایطی به جای تسهیل گری، مانعی در برابر چرخ تولید به شمار می روند.»

او افزود: «کنترل مصارف انرژی در حوزه تولید و محدودیت های فصلی در استفاده صنایع از انرژی های مختلف را می توان از دیگر چالش های مرتبط با فضای کسب و کار برشمرد و در این وضعیت، ادامه فعالیت چرخه تولید و قشر مولد به موانع اساسی برخورد می کند.»

آهنی ها گفت: «همین طور در بخش هایی مانند امور مالیاتی و دیگر دستگاه های در ارتباط با بخش تولید نیز چالش های قابل توجهی وجود دارد که نیازمند تسهیل گری است. اعمال محدودیت در فعالیت قشر مولد به واسطه قوانین و مقررات مانع، باید مورد بازنگری قرار گیرد.»

او ادامه داد: «مادامی که با برنامه ریزی مدون، زمینه بهبود کسب و کار در کشور فراهم نشود و تسهیل گری به معنای واقعی در حوزه تولید را شاهد نباشیم، امکان رونق و ارتقای سطح تولید کمتر مهیا می شود اما این در شرایطی است

کارگری

که به اشکال گوناگون، شاهد ایجاد و رشد موانع به جای تسهیل گری هستیم. همچنین مشکلات مربوط به اجرای قانون بهبود فضای کسب و کار برای تولید را می توان از چالش های این بخش دانست.»

عضو کارفرمایی شورای عالی کار بیان کرد: «تبعات وضعیت اشاره شده در بخش تولید متوجه جامعه کارفرمایی و کارگری کشور می شود. اگر به دنبال توسعه و رشد اقتصادی و همچنین فاصله گرفتن از اقتصاد دولتی هستیم، باید در مسیر اصلاحات اقتصادی گام برداریم. بی تردید یکی از مسیرهای اصلاحات اشاره شده در حوزه قوانین و مقررات و تسهیل گری در مسیر تولید تعریف می شود.»

سهم پذیری دولت و مردم از اقتصاد و تولید

آهنی ها همچنین به ضرورت سهم پذیری دولت و بخش های مردمی و خصوصی از اقتصاد و تولید اشاره کرد و گفت: «با توجه به سهم پذیری دولت، بخش خصوصی و حوزه تعاونی از مجموع اقتصاد کشور که در قانون اساسی به آن اشاره شده، نهاد دولت باید در حوزه هایی که امکان سرمایه گذاری بخش خصوصی نیست حضور داشته باشد.»

او افزود: «به این واسطه بسیاری از فعالیت های اقتصادی و تولیدی به ویژه فعالیت های مولد در کارگاه های کوچک، متوسط و بزرگ باید با حضور فعالانه بخش خصوصی رونق پیدا کند. در شرایط اشاره شده، امکان حضور دولت در پروژه های کلان کشوری فراهم شده و رونق اقتصادی را به همراه می آورد. در غیر این صورت دولت نیز با شرایط اقتصادی مذکور توان ادامه حضور در چرخه تولید و اقتصاد را نخواهد داشت.»

این کارشناس حوزه تولید در ادامه سخنان خود گفت: «تبدیل فعالیت های اقتصادی در ابعاد خُرد از الزامات این فضای ترسیم شده اقتصادی است. در حال حاضر هزینه دولت بسیار بالاست و در صورت تقسیم این نهاد به بخش های کوچک تر و انتقال نیروی انسانی به بخش تولید نیروها به بخش تولید، ارزش آفرینی و بالا رفتن ارزش پول و در نهایت افزایش رضایت عمومی را شاهد خواهیم بود.»

این فعال اقتصادی اضافه کرد: «طبیعتاً حضور بیشتر بخش خصوصی در حوزه فعالیت تولید و اقتصاد علاوه بر شاخص های کلان اقتصادی و رفاهی و مؤلفه هایی مانند اشتغال تأثیرگذار خواهد بود. همچنین درآمدزایی، تولید ثروت، کنترل شاخص تورم و تأثیر آن، بر وضعیت اقتصادی مردم و بسیاری دیگر از شاخص های کلان و عمده بازار کار مؤثر خواهد بود. در نهایت این وضعیت منجر به ارتقای رضایتمندی عمومی خواهد شد. از سویی باید جهت گیری قوانین و مقررات دستگاه های مختلف مرتبط با اقتصاد تولید به سمت مردم و بخش خصوصی باشد و از طرف دیگر این مجموعه مقررات نباید صرفاً به منافع دستگاه ها یا نهاد دولت ختم شود. از سوی دیگر تولید بیشتر، افزایش عرضه و در نهایت کاهش قیمت و کنترل تورم را به همراه خواهد داشت.»

و ایجاد مشوق ها برای کارآفرینی ضروری به نظر می رسد. در این ارتباط، دولت باید تلاش کند تا فرایند صدور مجوزها در ساده ترین حال ممکن باشد و حذف مراحل غیرضروری در این ارتباط در دستور کار قرار گیرد.

همچنین برقراری ارتباط مؤثر بین نهادهای مختلف دولتی برای ایجاد یک چارچوب واحد ضروری است. این مهم نیز از الزامات یا راهکارهای بهبود وضعیت در حوزه صدور مجوزهای کسب و کار شمرده می شود. در این بین دولت باید برنامه هایی برای آموزش کارآفرینان جدید برگزار کند تا آن ها با فرایندهای صدور مجوزها آشنا شوند و بتوانند از تسهیلات موجود بهره برداری کنند. ارائه مشوق هایی مانند تسهیلات مالی یا معافیت های مالیاتی برای کارآفرینان جدید می تواند انگیزه ای مضاعف برای راه اندازی کسب و کارها ایجاد کند.

تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار به عنوان ابزار مؤثر برای رونق اشتغال و شکوفایی اقتصادی، ظرفیت بالایی ایحاد می کند. اگرچه در دوره های قبل، گام های مثبتی در این راستا برداشته شد اما چالش هایی نیز وجود دارد که باید برطرف شوند. در این ارتباط با ساده سازی فرآیندها، افزایش هماهنگی بین دستگاه ها، برگزاری دوره های آموزشی و ایجاد مشوق ها برای کارآفرینی، می توانیم شاهد رونق بیشتر کسب و کارها و کاهش بیکاری در جامعه باشیم.

همین طور اگر بتوانیم با همت جمعی و همکاری دولت، بخش خصوصی و جامعه، بسترهای کسب و کار را تقویت کنیم، بی شک شاهد شکوفایی اقتصادی، تحول در زندگی افراد و آینده بهتر حوزه کسب و کار خواهیم بود. به طور حتم یکی از ابزارهای بهبود فرایند تولید و ایجاد رونق در این چرخه، تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار برای استقبال بیشتر مردم و بخش خصوصی برای سرمایه گذاری، کارآفرینی، خلق اشتغال، درآمدزایی و در نهایت ارتقای سطح رفاه جامعه است.



atiyeno.ir

یادداشت

حسین حبیبی

عضویت مدیره کانون ملی شوراهای اسلامی کار کشور

مزایای احیای قراردادهای کار دائم

امنیت شغلی، مبنای حقوق قانونی کارگران است؛ به این معنا که تا امنیت شغلی کارگران تأمین نشود امکان اجرایی شدن بندهای حمایتی قانون کار از جمله حق ایجاد تشکل و چانه زنی بر سر حقوق مزدی شامل طرح طبقه بندی عادلانه فراهم نمی شود. از طرفی، راهکار تأمین امنیت شغلی کارگران، احیای قراردادهای دائم کار در مشاغل با ماهیت مستمر است. کارفرمایان باید در مشاغلی که ماهیت مستمر و دائم دارند به عقد قراردادهای دائم کار کارگران ملزم شوند. در حال حاضر، کارفرمایان عموماً یک جانبه و بدون نظرخواهی از کارگران، قراردادهای موقت یک ماهه، سه ماهه یا یک ساله تنظیم می کنند و کارگران راهی جز امضای این قراردادهای ندارند.

در حال حاضر کارگرانی اشتغال به کار دارند که یک شغل ثابت مثل تولید قطعه یا نظافت شهری را در یک کارگاه ثابت برای ۱۰ یا ۲۰ سال متوالی برعهده دارند اما قراردادنشان پایان هر فصل یا در نهایت، انتهای هر سال تمدید می شود.

معمولاً پایان هر سال با کارگران تسویه حساب کامل صورت می گیرد و از آن آن تعهدی مبنی بر نداشتن هیچ طلبی از کارفرما می گیرند. در این شرایط، کارگری با سابقه ۳۰ سال کار در یک کارگاه، هنگام بازنشستگی از مزایایی مانند سنوات پایان خدمت محروم می ماند؛ چراکه کارفرما پایان هر سال با او تسویه حساب کرده است. از این رو قراردادهای موقت کار، موجب سلب بسیاری حقوق شغلی کارگران از جمله سنوات پایان خدمت شده است.

ابهام مستمتر در تبصره «۲» ماده ۷ قانون کار موضوعی مؤثر در سلب امنیت شغلی کارگران و ناپدید شدن قراردادهای دائم کار از عرصه روابط کار کشور است. شرط موجود این تبصره، آنجایی که قانون گذار می گوید: «در کارهایی که طبع آن ها جنبه مستمر دارد در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می شود» موجب شده کارفرمایان در بیش از دوده گذشته با استناد به امکان قراردادن «مدت زمان» در قراردادها، از عقد قرارداد دائم در کارهای با ماهیت مستمر شانه خالی کنند. در واقع مفهوم مخالف شرط مندرج در این بند از قانون، به کارفرمایان اجازه داده در قراردادهای شغلی کارگران، مدت زمان درج کنند و این قراردادها را موقتی و مدت دار سازند.»

این در حالی است که منظور قانون گذار از گذاشتن این شرط، به رسمیت شناختن اراده کارگر در عقد قرارداد کار بوده؛ چراکه فرض بر این است که قرارداد کار مانند هر قرارداد مدنی دیگر باید با رضایت و به دلخواه دو طرف تنظیم شود. بنابراین مفهوم قانونی تبصره «۲» ماده قانون کار این است که اگر علاوه بر کارفرما کارگر هم راضی باشد، قرارداد مدت دار شود و در غیر این صورت قرارداد دائم باشد.

در سال ۱۳۷۵ با بهره گیری از این ابهام قانونی و بر مبنای شکایت کارفرمایان، هیئت عمومی دیوان عدالت اداری دادنامه ۱۷۹ را صادر کرد که در آن به صراحت به کارفرمایان اجازه داده شده در کارهای مستمر قرارداد موقت منعقد کنند. در نتیجه این دادنامه، به تدریج امنیت شغلی کارگران از میان رفت تا جایی که امروز بیش از ۹۵ درصد کارگران در مشاغل مستمر، قرارداد موقت دارند.

تنها راهکار مؤثر رفع ابهام تبصره قانونی اشاره شده، الزام کارفرمایان به عقد قرارداد دائم در کارهای با ماهیت مستمر است. اگر اختیار به عقد قراردادهای موقت برچیده شود، کارفرمایان نمی توانند کارگران را به بهانه اتمام قرارداد تعدیل کنند. تنها در این صورت است که امید به آینده و امنیت شغلی به جامعه کارگری کشور برمی گردد و نیروی کار می تواند با خیال راحت از حقوق قانونی خود بهره مند شود.

در حال حاضر، دغدغه اصلی کارگران عموماً تمدید قرارداد در زمان انقضای مدت آن است. بنابراین احیای امنیت شغلی علاوه بر بازگرداندن امنیت شغلی به جامعه کارگری، مواردی همچون رشد بهره وری، رونق تولید و ارتقای انگیزه کارگران را به همراه خواهد داشت.

